



## ظرفیت‌های فلسفه سیاسی امام خمینی (ره)

عبدالله اخلاقی\*

عضو هیئت علمی دانشگاه خاتم النبیین شعبه غزنی افغانستان  
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۳ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۳/۱۹)

### چکیده

فلسفه سیاسی امام خمینی، استمرار فلسفه سیاسی اسلامی با رویکردی نو صدرائی است. مبانی این فلسفه سیاسی، بر هستی‌شناسی توحیدی، معرفت‌شناسی مبتنی بر عقل و وحی و انسان‌شناسی متکی بر دو ساحتی بودن انسان استوار است. قدرت تبیین حق قانونگذاری، تبیین حق استفاده از قدرت و مشروعیت سیاسی، ارائه معیار برای شناخت حقانیت سیاسی، تبیین مناسب پدیده‌های انسانی، از موارد ظرفیت‌های نظری است، که فلسفه سیاسی امام خمینی از آن برخوردار است. فلسفه سیاسی امام خمینی می‌تواند توضیح دهد که چرا و چگونه دانش انسانها واقع‌نماست. ظرفیت هویت‌سازی برای جنبش‌های اسلامی جهان اسلام و انسجام بخشیدن به آنها، ارائه هویت مشترک برای تمامی مستضعان جهان و امید بخشیدن به آنها از موارد ظرفیت‌های عملی است، که در فلسفه سیاسی امام خمینی نهفته است. فلسفه سیاسی امام خمینی قدرت بسیج توده‌ها را در خود دارد و می‌تواند برای زنان در اجتماع نقش محوری تعریف نموده و می‌تواند از توان اجتماعی زنان، در جهت اعتلای جوامع اسلامی استفاده نماید. الگوی زن در فلسفه سیاسی امام خمینی زنان آزاده‌ای است، که توانسته‌اند سرنوشت سیاسی جوامع را عوض نمایند.

### کلیدواژه‌ها

پهلوی، فلسفه، سیاست، فلسفه سیاسی، نو صدرائی، امام خمینی

\* E-mail: A.akhlaqy1350@gmail.com

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد آقای عبدالله اخلاقی با عنوان «فلسفه سیاسی امام خمینی<sup>۱</sup>» می‌باشد.

## ۱- مقدمه

ظهور امام خمینی و پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سرآغاز تحولات بزرگی در دنیای معاصر و به خصوص جهان اسلام گردید. این پیروزی معیارها و ضوابط موجود و حاکم بر روابط بین‌المللی را برهم زد و متفکرین عالم را به تفکر و بازشناسی دستاوردهای فکری خود و تدبیر در حقانیت وعده‌های ادیان آسمانی و انبیاء الهی وادار نمود. نگرچه وقوع انقلاب اسلامی ایران، به‌عنوان کانون اصلی حرکت امام به مثابه برجسته‌ترین نماد حرکت تاریخی امام خمینی همواره مورد توجه قرار گرفته است. اما بی‌تردید، پرتو پر فروغ اندیشه‌های متعالی امام و تفکر فلسفی سیاسی ایشان، علی‌رغم محدودیت‌ها و خفقان فیزیکی و رسانه‌ای دنیای زر، زور و تزویر، مرزهای آبی و خاکی ایران اسلامی را در نوردیده و دنیا و جهان را مخاطب خویش ساخته است.

در جا زدن و عقب‌گرد، ماشین جنگی صهیونیسم، از رؤیای نیل تا فرات، به سمت خزیدن در لاک دفاعی و کشیدن دیوارهای بتونی و سیم خاردار در اطراف مناطق اشغالی فلسطین تنها گوشه‌ای از تأثیرات شگرف نهضت امام خمینی، در دنیای معاصر است. رویش سرتاسری مقاومت اسلامی در کل جهان اسلام، به جای مقاومت ناسیونالیستی عربی، بی‌تردید روی دیگر همان سکه از پیامدهای عملی است، که ریشه در انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی داشته و از اعماق اندیشه‌های توحید محور، عدالت‌خواه، معنویت‌گرا، آزادی‌خواهانه و ظلم ستیزانه ایشان، جان می‌گیرند. بی‌گمان، از یکسو، تأثیرات بزرگ در عرصه کارزار بین‌المللی، بدون یک پشتوانه اندیشه‌ای و فکری امکان‌پذیر نیست و از سوی دیگر، افق دید، امام در مورد هدایت و اصلاح امور اجتماعی و سیاسی، در چارچوب مرزهای جغرافیایی ایران اسلامی محصور نبود، بلکه نگاه او به همه ملت‌های تحت سلطه و رستگاری همه انسان‌های این کره خاکی معطوف بود. ایشان به صدور انقلاب و به فتح قله‌های بلند تری در رسالت هدایت‌گری خویش می‌اندیشید.

پرسش اصلی این است، که چه ظرفیتهایی در دل این فلسفه سیاسی نهفته است، که بتواند گره ناگشوده‌ای را، از مشکلات سیاسی و اجتماعی بشر امروز و آینده و یا مرهمی بر آلام و دردهای جانکاه، انسان‌های خرد شده، در زیر چرخ‌های بیرحم ماشین صنعتی جهان خواران و سلطه‌گران بین‌المللی، باشد؟ فلسفه سیاسی امام خمینی، هم در بعد نظری و تبیینی از ظرفیت خوبی برخوردار است و هم در بعد عملی. ظرفیت نظری فلسفه سیاسی امام خمینی در قدرت تبیین آن نسبت به حقیقت هستی و بازتاب آن در قالب سیاست و حکومت و حقیقت انسان و پیامدهای رفتار او در عرصه سیاسی و اجتماعی است.

## ۲- ظرفیت نظری فلسفه سیاسی امام خمینی

به صورت ملموس و عینی فلسفه سیاسی امام خمینی، در بعد نظری دارای قدرت تبیینی در عرصه‌های مختلفی، چون تبیین حق قانونگذاری، تبیین حقیقت هستی و پیوند آن با مشروعیت قدرت و حکومت، ارائه ملاک برای مشروعیت سیاسی، تبیین درست رفتار انسان در میدان عمل سیاسی و اجتماعی و در نهایت تبیین واقع‌نمائی دانش و شناخت انسان از هستی و امور سیاسی است، که اینک به اختصار بررسی خواهیم نمود.

## ۱-۲ تبفن فف قانونفذارف و مشرفعفف قءرف سفاسف

فكف از پرسش‌هاف اساسف‌اف، كه همواره در اذهان انءفشمندان علوم سفاسف مطرح بوءه، افن اسف كه چه كسف، فف دارد رفتار و زنفكف انسانهاف آزاد را با وضع قوانفن مفءوء نمافء. افن پرسش در برابر قانونفذاران بشرف به صورف فف معماف لافنفل در آمده و منطق افن پرسش معما ففونه، از چند ففء افرف قوف و افقان به نظر مف‌رسء.

اول افنكه انسانها همه برابر و آزاد آفرفءه شده انء، پس به چه ءفلف فقط فف عءه فف ءاشءه باشءن برای ءففران قانون و مقررف وضع نمافءن. ءوم ءانش مفءوء انسانها، از روابط آشكار و نهان انسان و جهان و سوم ءف نفع بوءن قانونفذاران انسانف در وضع قوانفن، سفاهاف ابهام آمفرف بر ففانفف قانونفذارف قانونفذاران بشرف انءاخءه كه مشرفعفف آنرا به ففالش كشفءه اسف.

در فلسفه سفاسف امام خمفنف، هستف و كائنات از چشمه سار ففكانه‌اف مف‌فوشء. مفءأ هستف و ففقفف هستف آفرفن «الله» چون ففكانه مالك ففقفف هستف اسف فف هر ففونه ففصرف مالكانه در هستف از آن اوسف و چون افرف شناخء و علم كامل نسبف به فمفع مخلوقاف اسف و ففء ءفنففع در قانونفذارف نفسء. لءا شفسءفكف هءافف و قانونفذارف برای موجوداف و از فمله انسان‌ها را فقط او ءاراسف. همه انسان‌ها در برابر قانون الهف مساوف‌انء و هفچ انسانف فف به بنء كشفءن انسان‌هاف ءففر و اعمال قانونف ففر از قوانفن الهف را نسبف به ءففران نءارء.

افن نفرش، هم اثباف فف قانونفذارف برای ءءاوانء معال مف‌كء و هم فف قانونفذارف بشرف را نفف مف‌كء، امرف كه كل شكاله فلسفه سفاسف امام خمفنف بر آن بنا شده اسف. از نگاه امام خمفنف رفشه و اصل همه عفافء، اصل فوففء اسف. مطابق افن اصل، ففها ءاف مقدس ءءاف ففالف اسف كه از همه ففقافف مطلع اسف و قادر بر همه ففف اسف و مالك همه ففف. به فعبفر امام: «انسان ففها در برابر ءاف اقدس فف ففء تسلفم باشء و از هفچ انسانف نبافء اطاعف كءن مفر افنكه اطاعف او اطاعف ءءا باشء؛ بنابراین، هفچ انسانف فف نءارء انسانهاف ءففر را به تسلفم در برابر ففء مف‌فبور كءن» (امام خمفنف، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۳۸۷).

امام، بر ففاه همفن اصل اعءقءاف، اصل آزءاف بشر رفتار و روابط ففء با ءففران و منشأ فف قانونفذارف الله، را نسبف به انسان و سرفوشء او تبفن مف‌كءنء. از افنرو اظهار مف‌ءارنء: «ما معءقءفم كه قانونفذارف برای بشر ففها در افءفءار ءءاف ففالف اسف، همفچنان كه قوانفن هستف و فلقء را نفز ءءاوانء مقرر فرموءه اسف. و سعءاء و كمال انسان و فوامع ففها در ففرو اطاعف از قوانفن الهف اسف كه فوسف انبفا به بشر ابلاغ شده اسف» (همان، ص ۳۸۸).

## ۲-۲ تبفن مشرفعفف قءرف سفاسف

نكءه ءففرف كه امام، از اصل فوففء اسءءافه مف‌كءنء، مسءله مشرفعفف قءرف و ففكومف اسف. در نگاه امام انسانها در اصل اطاعف از قوانفن الهف باهم برابرءن و اطاعف از قوانفن الهف بر همگان چه ففكم و چه مف‌فكوم ففءب اسف و كسف از مشرفعفف سفاسف بر ففورءار اسف كه منسوب فا مأءون از ففانب ءءاوانء معال باشء و كسف كه فففن نباشء، از فف فوففء ففارف شده و در صف طاغوف و شرك قرار مف‌ففرء. افشان، براساس اصل

توحید، جامعه انسانی را به دو خط توحیدی و طاغوتی تقسیم نموده و ملاک آن را تا عصر غیبت امتداد می‌دهند:

«اگر چنانچه فقیه در کار نباشد، ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت است. یا خدا، یا طاغوت، یا خداست، یا طاغوت. اگر با امر خدا نباشد، رئیس جمهور با نصب فقیه نباشد، غیر مشروع است. وقتی غیر مشروع شد، طاغوت است؛ اطاعت او اطاعت طاغوت است؛ وارد شدن در حوزه او وارد شدن در حوزه طاغوت است. طاغوت وقتی از بین می‌رود که به امر خدای تبارک و تعالی یک کسی نصب بشود» (همان، ج ۱۰، ص ۲۲۱).

### ۳-۲ ارائه معیار برای شناخت حقانیت نظام سیاسی

امام خمینی، اصل توحید را حاکم بر همه زوایای زندگی انسان‌ها دانسته، الهی بودن خط مشی جریانهای سیاسی را دلیل حقانیت آنها و فاصله داشتن از مسیر الهی را دلیل باطل بودن آنها می‌داند. از همین رو، از نظر امام خمینی ملاک حق یا باطل بودن یک نظام سیاسی به این است، که رهبران نظام سیاسی و خط و مشی آنها در مسیر الله، صراط مستقیم و صراط انسانیت است، یا در صراط شیطان و نفس و خود پرستی باشد و به تعبیر امام، «ظل الله» و یا «ظل شیطان» بودن حاکمان سیاسی ملاک حقانیت و بطلان نظام های سیاسی است. امام خمینی از یکسو، برای حقانیت نظام سیاسی معیار ارائه می‌دهند و از سوی دیگر، مصادیق آن را برای مردم معرفی می‌کنند. به تعبیر امام خمینی بارز ترین مصداق «ظل الله» پیامبران و به خصوص پیامبر گرامی اسلام است. برای اینکه پیغمبر هر چه دارد از خدا، و هر چه می‌بندد خدا، و فانی است در او. هر حرکتی پیغمبرها می‌کنند همانی است که مطابق رضای خداست. در نگاه امام خمینی حاکمی که این چنین تابع الهی نباشد ظل الله نخواهد بود، بلکه او به هر میزانی که از او امر خداوند متعال تخطی می‌کند به همان میزان از سایه بودن برای خداوند فاصله گرفته و تبدیل به سایه شیطان می‌شود (همان، ج ۷، ص ۴۲۹). امام خمینی، حاکمان جور و ناحق را که به ملتهای خود خیانت می‌کنند، ظل ابلیس می‌دانند که حتی لفظ مبارک «ظل الله» را به همراه مقام حاکمیت برای خودشان غصب کرده‌اند (همان، ج ۶، ص ۳۳۸).

### ۴-۲ تحلیل مناسب پدیده‌های انسانی

از نظر امام خمینی، انسان سرشت دوگانه دارد، او از یکسو سرشت خاکی داشته و عوارض زمینی را با خود همراه دارد و از سوی دیگر حامل امانت الهی و دارای روح ملکوتی است. پس انسان، «یعنی موجودی خاکی که در او روح خداوندی جریان دارد» (اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۴۵). بنابراین، هر بخشی از او به سویی میل دارد. در نتیجه آشوبی در درون انسان شکل می‌گیرد و به او هویت دوگانه می‌بخشد. در نتیجه انسان همواره درگیر بزرگترین کشمکش است که می‌تواند تصور کند. همه جنگهای بیرونی بشر در حقیقت بازتاب همین کشمکش درون (همان، ص ۴۹) و ریشه همه جنایاتی که در تاریخ روی داده است، همان بعد زمینی و غریزه حیوانی انسان است.

به اعتقاد امام خمینی، خداوند متعال، دو موتور محرک نیرومندی مبتنی بر فطرت الهی در سرشت انسانها به امانت نهاده است، که عبارتند از: عشق به کمال مطلق و تنفر از هر نوع نقص و تمامی انسانها بدون استثنا از این دو نهاد سرشتی برخوردارند؛ هرچند خود آنها توجهی به آن نداشته باشند و یا در تشخیص کمال و نقص و

کامل و ناقص گرفتار اختلاف و یا دچار اشتباه گردند. حتی شقی‌ترین انسانهای وحشی و خونریز طالب کمال اند؛ و خونخواری و آدم‌کشی را کمال تشخیص داده و برای به دست آوردن آن عمر خویش را مصرف نموده و از جان خویش مایه می‌گذارند (اردبیلی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۴).

بنابراین، انسان از یکسو، از روح الهی و فطرت کمال جویی برخوردار است و همین اصل فطرت کمال‌جویی است که تشکیل اجتماعات و جامعه مدنی را ممکن می‌سازد و همین اصل است که از آدمی خونریز، جانشین شایسته خدا و آیینۀ صفات او پدید می‌آورد. «اگر این اصل نبود هیچ قرارداد اجتماعی چه در عالم فرض و چه در عالم واقع صورت نمی‌بست. و هرگز آدمها حاضر نبودند، از منافع خود بگذرند و یکدیگر را تحمل کنند.» (اسلامی، همان، ص ۴۱).

از سوی دیگر، در بعد زمینی وجود انسان سه موتور محرک نیرومند تعبیه گشته است، که عبارتند از: شهوت، غضب و شیطنت، که همه چیز را برای خود خواسته و هرکدام از اشتهای سیری‌ناپذیری برخوردارند و هیچکدام نقطه‌انتهایی برای خود نمی‌شناسند. به تعبیر دقیق‌تر: «قوه شیطنت، که فروع آن عجب و کبر و طلب ریاست و خدعه و مکر و نفاق و کذب و امثال آن است، و قوه غضب، که خودسری و تجبر و افتخار و سرکشی و قتل و فحش و آزار خلق و امثال آن از فروع آن است، و قوه شهوت، که شره و حرص و طمع و بخل و امثال آن از فروع آن است.» (امام خمینی، ۱۳۹۱، صص ۸۳ و ۸۴) انسان اگر خود را بدون قید و شرط در خدمت این امیال قرار دهد، دنیا را برای خود خواسته و ثمره آن نزاع و کشمکش‌های بی‌پایانی خواهد بود، که جامعه بشری را در آشوب بی‌پایان فرو خواهد برد. پس هم‌ه‌ا‌ب‌ز که میگوید انسان گرگ است و هم روسو که معتقد است فطرت آدمی، پاک و صلح‌جوست فقط جنبه‌ای از وجود او را دیده اند؛ اما انسان اگر فقط گرگ باشد، دیگر تشکیل جامعه مدنی ممکن نیست و اگر آدمی تنها فرشته صفت و صلح‌جو باشد، این جنایتها و قتلها چه معنایی دارد. پس انسان هم این است و هم آن و در عین حال، نه این است و نه آن. نظر امام در این باب هم واقع‌گرایانه است و هم خوشبینانه. (اسلامی همان، صص ۴۱ و ۴۲)

## ۲-۵ تبیین واقع نمائی دانش انسان از هستی

در مورد اینکه دانش‌ها و شناخت انسان از هستی، واقع‌نما است، یا خیر، اگر ما قائل باشیم که شناخت انسان فقط به اعراض تعلق دارد، و عقل انسان از ادراک کنه و جواهر اشیای بیرونی‌نا‌توان است، در این صورت دانش انسان از هستی و موجودات بیرونی، بر هیچ بنای مستحکمی استوار نبوده و واقع‌نمائی آن در بوتۀ ابهام خواهد بود. تنها در صورتی می‌توان اطمینان یافت که دانش و شناخت انسان واقع‌نماست، که آدمی روزنه‌ای و پنجره‌ای به سمت دنیای بیرون از خود داشته باشد، تا بتواند جهان واقع را آنگونه که هست بازشناسی نماید تنها در این صورت دانش و شناخت انسانها دارای اعتبار و در عین حال واقع‌نما خواهد بود.

از نظر امام خمینی، انسان که یک عالم صغیر است و سراسر عالم کبیر در سراسر قامت وجودیه اوست، به طوری که اگر این فرد انسان را منشرح کرده و باز نموده و بسط بدهند، کاملاً با عالم کبیر، مانند انطباق مثل بر مثل، منطبق می‌باشد، پس هر چه در عالم کبیر هست، در این انسان و عالم صغیر هست و این انسان هر چه می‌داند، آن را از مطالعه ذات و وجود خود می‌فهمد بدون اینکه به خارج و عالم کبیر راهی داشته باشد. بلی

چون آنچه در خودش است با خارج ربط دارد؛ یعنی خارج مثل اوست، لذا خارج به وسیله او منکشف می‌شود (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳، صص ۱۱ و ۱۲).

کانون اصلی مزیت و ظرفیت اساسی فلسفه سیاسی در همین واقع نمائی، صداقت و حق طلبی آن است، امام، در بازار معرفت بدنبال این نیست، تا اهدافش را در قالب جملات آهنگین و لعبهای زرین ارائه نماید، بلکه او تلاش دارد تا مردم را، از حيله دشمن آگاه نموده، و جنایتهای سران نیرنگ‌باز مکتبهای منحرف را افشا، و با صراحت خواستههای خود را، که همان خواست همه مستضعفین و ملل محروم و مظلومین عالم است، به آنان گوشزد کند، و به آنها بفهماند، که تمامی قدرتمندان جهان از خون ملت‌های مستضعف برای نابودی بشر، آلات قتاله تهیه می‌کنند (همان، ص ۴۸۴).

فلسفه سیاسی امام خمینی، نه خود در دام لعبهای زرین و ادعاهای توخالی اسیر است، و نه تلاش می‌کند تا دیگران را به گمراهی واداشته و از گمراهی آنان برای دوام خود بهره برداری نماید، بلکه این فلسفه صادقانه در جستجوی حقایق امور سیاسی است و تلاش می‌کند، تا مردم به حقیقت ناب و حقایق امور دست یابند، فارغ از اینکه این حقیقت به سود و یا زیان چه کسی است. لذا تأکید دارند: «ملت ما در مقابل حق و عدالت تسلیم است، چنانچه در مقابل ظلم و جور ایستاده است» (همان، ج ۱۴، ص ۲۵۲).

### ۳- ظرفیت عملی فلسفه سیاسی امام خمینی

مراد از ظرفیت عملی فلسفه سیاسی امام خمینی، ظرفیت موجود در خود فلسفه سیاسی برای معرفی اهداف و راههای بهتر زیستن و ایجاد راهکار لازم برای رسیدن به آن اهداف است.

### ۳-۱ هویت سازی و انسجام بخشی جنبشهای اسلامی جهان اسلام

ظرفیت عملی فلسفه سیاسی امام خمینی بدون تردید، برخاسته از ظرفیت اسلام است، که برای هر دردی علاجی و برای هر مشکلی چاره‌ای در خود دارد و در این میان، امام حکیمی است، که مانند یک پزشک حاذق، هم دردهای جوامع اسلامی را تشخیص داد و هم ریشه درد را و هم راه در مان آنها را بخوبی یافت و به همین جهت به فلسفه سیاسی خود ظرفیتی بخشید، که در صورت توجه به عمق آن می‌تواند کلیه ملت‌های اسلامی را در تحت یک پرچم گرد آورده و ملل پراکنده را تبدیل به یک ملت واحده در برابر دشمنان بیرونی نماید. به اعتقاد امام خمینی:

«اگر دول اسلامی و ملل مسلمان به جای تکیه به بلوک شرق و غرب به اسلام تکیه می‌کردند و تعالیم نورانی و رهایی‌بخش قرآن کریم را نصب عین خود قرار داده و به کار می‌بستند، امروز اسیر تجاوزگران صهیونیسم و مرعوب امریکا و مقهور اراده سازشکارانه و نیرنگ بازیهای شیطانی شوروی واقع نمی‌شدند. دوری دول اسلامی از قرآن کریم، ملت اسلام را به این وضع سیاه نکبت بار مواجه ساخته است» (همان، ج ۲، ۴۳۸).

در فلسفه سیاسی امام خمینی، با الهام از فرهنگ قرآنی، به مسئله برادری دینی در میان امت اسلامی، توجه شده و ایشان و تلاش می‌کند تا از هویت اسلامی مسلمانان، هم به‌عنوان برادران دینی و هم به جهت داشتن دشمن مشترک، برای انسجام هرچه بیشتر آنها به نحو احسن استفاده نمایند و لذا در این راستا، کراراً خطر عظیم اجانب، بخصوص صهیونیسم را به برادران اسلامی در همه کشورها، گوشزد نموده و تأکید می‌کند: «امروز

ابرقدرتها زیر عناوین مختلف خون مردم مستضعف را می‌مکند و به هیچ وجه کاری به نوع تفکر خویش ندارند و آنچه برایشان مطرح است مسائل مادی خودشان است.» (همان، ج ۱۴، ص ۷۶)

از جمله مسائلی، که ظرفیت تبدیل شدن به یک انگیزه عمومی برای همه مسلمانان را دارد مسئله قدس است. در نگاه امام «مسئله قدس یک مسئله شخصی نیست، و یک مسئله مخصوص به یک کشور و یا یک مسئله مخصوص به مسلمین جهان در عصر حاضر نیست، بلکه حادثه‌ای است برای موحدین جهان و مؤمنان اعصار گذشته و حال و آینده، از روزی که مسجد الاقصی پی‌ریزی شد تا آن گاه که این سیاره در نظام هستی در گردش است» (همان، ج ۱۶، ص ۱۹۰).

امام خمینی، با استفاده از مشترکات ملل اسلامی، انقلاب عظیم ملت شریف و مبارز ایران را، پیامد انقلابهای رهایی‌بخش و نهضت‌های اصیل ملت‌های مبارز جهان و رهنمودی برای سایر ملل مستضعف و مسلمانان جهان برای رهایی از سلطه همه استعمارگران می‌داند (همان، ج ۱۲، ص ۲۳۱). ارزش این هویت در نزد امام به حدی است، که امام موجودیت خود را به آن گره می‌زند: «ما انقلابان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است. و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست. و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم» (همان، ص ۱۴۸).

این تعبیرات، از یکسو، نشان دهنده تلاش معمار این اندیشه برای ایجاد یک هویت مشترک برای تمامی جنبش‌های اسلامی است و از سوی دیگر، نمایانگر وجود چنین ظرفیتی در درون این فلسفه سیاسی است. شاهدی بر این ظرفیت استقبال متفکران مسلمان در اقصی نقاط جهان از این طرز تفکر است، که آنان پایان عمر پیروزی کذائی غرب بر اسلام در قرن بیستم را اعلام (کلیم صدیقی، ۱۳۷۳، ص ۱۵) و جایگاه حرکت اسلامی را، در جهان، نشان داده و سرکوب آنرا ناممکن می‌شمارند (کدیور، ۱۳۷۲، ص ۲۳۴). این اظهارات نمایانگر، رشد چشمگیر جنبش‌های اسلامی، آمادگی پذیرش اسلام ناب محمدی در میان توده‌های مردم و مقابله جانانه آنان در برابر سرکوب‌های داخلی و در عین حال نشان دهنده، مقابله اسلام‌گرایان با سلطه نا مشروع غرب بر نظام فعلی بین المللی است.

### ۲-۳-۲ ارائه هویت مشترک برای تمامی مستضعفان جهان

ظرفیت دیگری که در فلسفه سیاسی امام خمینی، به چشم می‌خورد، ظرفیت فرا اسمی بودن آن و یا به تعبیری قدرت تفسیر آن از اسلام فراگیر است. امام تلاش می‌کند، تا از یکسو، هویت حقیقی مستضعفان جهان را بازیابی نموده، و با ترسیم خطوط اساسی هویت واقعی دوست و دشمن جبهه واحدی از مستضعفان عالم را در برابر کل نظام سلطه شکل داده و آنها را برای گرفتن حقوق از دست رفته خویش به قیام و رستاخیز جهانی وادار نماید، تا دستکم از فلاکتی که سردمداران نظام جهانی سلطه بر آنها تحمیل نموده است رهایی یافته و سعادت دنیوی را در آغوش گیرند. از سوی دیگر، تلاش می‌کند تا با تفسیر آیات قرآنی و کلام خداوند، وعده الهی را شامل همه مستضعفین عالم دانسته و از این رو، آنها را به سمت کلام نورانی خداوند و آیات الهی نزدیک نماید، تا شاید با درک احکام و مبانی اسلامی راه درست زندگی را آموخته و با قبول اسلام به عنوان آیین رهایی بخش سعادت اخروی را نیز فرا چنگ آورند.

امام با صراحت، در مقابل برداشت مشهور مفسرین، در تفسیر آیه مبارکه قرآن: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص/۵) معتقدند، که این وعده الهی شامل همه مستضعفین عالم است و اختصاصی به مؤمنین و مسلمانان ندارد. لذا می‌فرمایند: «هان ای ملت‌های جهان که همه مستضعفید! از جای برخیزید و حق خود را بستانید و از عربده‌های قدرتمندان نهراسید که خداوند با شماست و زمین ارث شماست. و وعده خداوند متعال تخلف ناپذیر است.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص ۱۳۸)

با استفاده از همین برداشت امام، می‌توان به یک هویت مشترک از ملت‌های مستضعف جهان در مقابل آنان که منطبق‌شان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه و هدف شان غارت است، دست یافت. امام، صادقانه به این هویت مشترک به دید احترام نگریسته و حاضر است برای ایجاد و حفظ آن، بها بپردازد و لذا می‌فرماید: «ما از تمام نهضت‌های آزادیبخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم.» (همان) بنابراین، فلسفه سیاسی امام خمینی، براساس یک برداشت عمیق از مفاهیم اسلامی، ظرفیت این راه، دارد که یک هویت مشترک، از کل مستضعفین جهان در برابر نظام سلطه ترسیم نماید. این ظرفیت مهم در واقع، تراویده از ظرفیت اسلام و بلکه تمامی ادیان حقیقی آسمانی است. سیره انبیاء (ع) در طول تاریخ در برخورد با مستکبران و مستضعفان و روح رحمت و عطوفت دین و بخصوص دین مقدس اسلام گواهان صادق این حقیقتند.

امام، براساس همین برداشت، از یکسو، ایستادگی در برابر ابرقدرتها را یک وظیفه تشخیص می‌دهند: «وظیفه ماست که در مقابل ابرقدرتها بایستیم و قدرت ایستادن هم داریم.» (همان، ص ۲۰۲) و از سوی دیگر، یاد آوری می‌کنند: «هر دو ابرقدرت، کمر به نابودی ملل مستضعف بسته‌اند و ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم. ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی‌کنیم کنار بگذاریم؛ زیرا اسلام بین کشورهای مسلمان فرقی قائل نمی‌باشد و پشتیبان تمام مستضعفین جهان است.» (همان).

بنابراین، از دید امام، این هویت مشترک هم یک امر راهبردی است، که سرنوشت ملت‌های مستضعف را به هم گره زده است «تمام قدرتها و ابرقدرتها کمر به نابودی مان بسته‌اند، و اگر ما در محیطی در بسته بمانیم قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد.» (همان، ج ۱۲، ص ۲۰۲) و هم یک امر مکتبی و برخاسته از عمق اعتقادات دینی است. زیرا، «ما باید حسابمان را صریحاً با قدرتها و ابرقدرتها یکسره کنیم و به آنها نشان دهیم که با تمام گرفتاریهای مشقت‌باری که داریم، با جهان، برخوردی مکتبی می‌نماییم.» (همان، ص ۲۰۳).

### ۳-۳ ارائه الگو برای تمامی مستضعفان جهان

از آنجا که فلسفه سیاسی امام خمینی، فلسفه سیاسی‌ای است، که در عالم واقع و در میان کوران حوادث شکل گرفته و در نهایت، به پیروزی رسیده است، از اینرو، یکی دیگر از ظرفیت‌های عملی آن، ظرفیت ارائه الگو است. الگویی که، در بستر تجارب اجتماعی خود آن به دست آمده است. لذا برخلاف فلسفه‌های سیاسی‌ای که فقط در عالم اندیشه و خیال شکل گرفته‌اند و مجبورند تا در ارائه الگو از نمونه‌های تاریخی وام بگیرند و یا اینکه به ارائه مدل‌های تخیلی روی بیاورند، این فلسفه سیاسی، در ارائه الگو به نمونه‌هایی از جنس خود متکی است، که می‌تواند تمامی نقاط قوت و ضعف آنرا یکجا و باهم به نمایش بگذارد.



فرمایشات امام نشان دهنده این نکته است، که امام با هوشمندی در صدد ارائه الگو و مدلی از این فلسفه برای تمامی مستضعفین جهان است. به‌عنوان نمونه: شما مردمی که با تمام وجود بر سر غرب و شرق جهانخوار شوریدید، پیروزید. شما مردم دلیر و آگاه سرمشقی هستید برای ملل زیر سلطه (همان، ج ۱۳، ص ۵۴۴). ارزش ارائه چنین الگویی، برهیچ اندیشمندی پوشیده است، اما در منطق امام، ارزش آن فراتر از جان نسلی از یک ملت است. لذا در این مورد می‌فرمایند: «ما امروز به انتظار شهادت نشسته‌ایم تا فردا فرزندانمان در مقابل کفر جهانی با سرافرازی بایستند و بار مسئولیت استقلال واقعی را در تمامی ابعادش به دوش کشند و با افتخار پیام رهایی مستضعفین را در جهان سر دهند.» (همان، ج ۱۴، ص ۴۰۸)

این تلاش‌های امام ثمرات مهمی را نیز در آوردگاه‌های بین‌المللی از خود برجای گذاشته است. «پیام، روش و الگوی امام به عنوان یک برنامه عملیات سیاسی مشترک برای نیل به هدف مشترک تأسیس حکومت اسلامی مورد قبول مسلمانان سراسر جهان قرار گرفته است» (صدیقی، همان، ص ۶). شاهد این مدعا تلاش‌هایی است که برای تأسیس حکومت اسلامی در کلیه نقاط جهان در حال انجام است و دلیل آن تبانی دشمنان علیه اسلام در سراسر جهان است. همچنین، افزایش کمک‌های تسلیحاتی از سوی دشمنان اسلام به حکومت‌های وابسته مانند عربستان سعودی و ... نشان دهنده این مطلب است، که قدرت جهانی مسلمین، در قالب یک رستاخیز انسانی بیداری اسلامی و بازگشت به اسلام، همراه با ناامیدی از سکولاریستی انقلابی و ناسیونالیسم عربی حرکت در آمده است.

### ۳-۴ امید بخشی برای مستضعفان و پابرهنگان جهان

یکی دیگر از ظرفیت‌های فلسفه سیاسی امام خمینی، که باز هم برخاسته از آموزه‌های دینی و جلوه‌های قرآنی است، ظرفیت امید بخشی آن برای پیروزی نهایی همه مستضعفین جهان در برابر دنیای استکبار است. مفهوم استضعاف و استکبار، از مفاهیم قرآنی است، که از یکسو، شکل دهنده دو جریان زنده و تاریخی است، که از گذشته‌های کهن تاریخ تاکنون در بستر اجتماع جهانی بشری جاری بوده، و مهم‌ترین شکل قشر بندی جامعه انسانی را به خود اختصاص داده است. از دیگر سو، بخش عمده مبارزات تاریخی انبیا (ع) با این دو مفهوم در یک پیوند ناگسستنی بوده است. از همین رو، این دو مفهوم ظرفیت تبدیل شدن، به یک گفت‌وگو مبارزاتی را، داراست.

استضعاف و استکبار زمانی موضوع برای فلسفه سیاسی است، که در بستر اجتماع انسانی، در قالب مستضعفین و مستکبرین، تبدیل به یک جریان تأثیر گذار اجتماعی و سیاسی گردد و در اصطلاح علوم سیاسی، مستضعفین زمین، کسانی اند، که ظالمان و قدرتمندان، آنان را ستمکارانه، مورد ظلم و تجاوز مختلف خود قرار داده (مغنیه، بیتا، ص ۵۰۶) و حقوق انسانی آنها را به تاراج برده و بر منابع درآمدی و دستاوردهای آنان، و بلکه بر سرنوشت آنها، تسلط ظالمانه، یافته است. خداوند وعده داده، چنانچه آنان به مبارزه و جهاد برخیزند، بر آنها منت گذاشته و آزادی، حریت و کرامت انسانی ربوده شده را به آنان بازگرداند (همان، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۴۸).

نقطه مقابل جریان مستضعفین، مستکبرین قرار دارند، و اینها در طول تاریخ کسانی بودند، که با در اختیار گرفتن منابع سرمایه و درآمدهای جوامع انسانی، در صدد استعمار و بهره‌کشی، از هموعان خویش بوده‌اند و

امروزه نیز کسانی هستند، که حدود یک در صد جمعیت زمین را تشکیل می‌دهند، اما تقریباً، بر کل درآمدهای خالص و ناخالص زمین، همانند یک اژدهای هزار سر چنبره زده‌اند و اجازه نمی‌دهند، انسانهای دیگر به برخوردارهای اولیه انسانی دست یابند. همین‌ها در تلاشند تا سلطه اقتصادی خویش بر جهان را، با سلطه سیاسی و فرهنگی و اجتماعی کامل نموده و بشریت را برای همیشه به سمت یک بردگی فوق مدرن سوق دهند. براساس وعده‌های حتمی الهی، روزی فرا خواهد رسید که خداوند بر مستضعفین منت نهاده و سرنوشت زمین را به دست آنان خواهد سپرد (قصص/۵).

در فلسفه سیاسی امام خمینی، وعده خداوند برای حکومت پابرهنگان جهان حق است و کسانی که با اتحاد و همدلی در برابر غارتگران بین‌المللی به قیام برخاسته‌اند، پیروزی‌شان در برابر ابرقدرت‌ها حتمی است (امام خمینی، همان، ج ۱۳، ص ۵۴۴). «آگاه باشید که جهان امروز دنیای مستضعفین است و دیر یا زود پیروزی از آنان است و آنان وارثین زمین و حکومت کنندگان خدایند» (همان، ج ۱۲، ص ۲۰۳).

با توجه به همین نکته است، که امام برای ایجاد پیوند میان مستضعفین، در یک سطح وسیعتری از جوامع اسلامی، و در میان تمام اقشار انسانی، پیش‌نهاد تأسیس «حزب مستضعفین»، را داده، و از آن به‌عنوان «حزب الله» یاد می‌کنند، و معتقدند که چنین حزبی موافق اراده خدای تبارک و تعالی است که فرموده است مستضعفین، باید وارث زمین شوند و لذا در ادامه می‌فرماید «ما از جمیع مستضعفین عالم دعوت می‌کنیم که با هم در «حزب مستضعفین» وارد بشوند، و مشکلات خودشان را با دست جمع و اراده مصمم عمومی رفع کنند؛ و هر مسئله‌ای که در هر جا و در هر ملتی پیش می‌آید به وسیله «حزب مستضعفین» رفع بشود.» (همان، ج ۹، صص ۲۸۰ و ۲۸۱).

### ۳-۵ امکان بسیج توده‌ها

نکته دیگری که در بحث ظرفیت فلسفه سیاسی امام خمینی باید مورد توجه قرار گیرد، ظرفیت تبدیل شدن آن به یک ایده همگانی و مردمی است، امری که می‌تواند عامل بسیج توده‌های مردم در مسیر اهداف متعالی و باعث ایجاد استراتژی مبارزاتی عمومی گشته و شهادت و فداکاری در راه هدف را، به منزله یک ارزش همگانی، در دل جوامع نهادینه ساخته و عموم مردم، اعم از مردان و زنان را، وارد فعالیت در عرصه حیات سیاسی و اجتماعی نماید.

این ظرفیت، نیز برخاسته از آموزه‌های اصیل اسلام و بخصوص مذهب تشیع است. زیرا در مکتب تشیع، دو مسئله در طول تاریخ، تبدیل به باور همگانی گشته است، که می‌تواند مردم را در صحنه‌های سخت و کارساز در کنار رهبران سیاسی قرار دهند و این دو باور به منزله دویالی است، که همواره مکتب تشیع را پویا و زنده نگهداشته و عبارتند از:

**الف)** الهام‌گیری از نهضت امام حسین (ع) که در بازخوانی این نهضت، جوانان شیعه از کودکی چنین می‌آموزند، که برای حفظ اعتقادات دینی، و برخورد با ظالمان و برداشتن بساط ظلم و جور از جامعه، در گاه ضرورت اگر لازم باشد، حتی از جان و مال خویش در راه خداوند مضایقه نکنند. بدون شک نفس قیام امام حسین (ع) دو عنصر مهم قیام عمومی را با خود دارد: «یکی عنصر نفی وضعیت موجود؛ دیگری، طرحی آرمانی» (نجفی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲)، و ترکیب این دو عنصر است، که ظرفیت تبدیل شدن به یک ایده همگانی را، بدان می‌-

بخشد و شاهد این مدعا قیام‌های بی‌شمار تاریخی است، که برگ‌های زرین بی‌شماری را در طول تاریخ به خود اختصاص داده و قلمرو آن نیز منحصر در حوزه کشورهای اسلامی نبوده و نیست.

ب) مسئله دیگری، که در همگانی شدن آن نقش اساسی بازی می‌کند، هماهنگ شدن این واقعه با مسئله انتظار است. بی‌تردید نظاره نمودن به یک منظره بدیعی چون حکومت مهدوی، به مثابه یک حکومت فراگیر و جهانی که عدالت مطلق را در سراسر گیتی گسترش داده، و امنیت، ثبات، رفاه، آزادی و سعادت واقعی را برای همه انسانها به ارمغان می‌آورد، می‌تواند به یک انگیزه همگانی و عمومی برای تمامی اقشار جامعه تبدیل گشته سراسر یک ملت را به حرکت و قیام وادار نماید.

افزون براین، در فلسفه سیاسی امام خمینی، ملهم از نظام سیاسی شیعه، حاکمان سیاسی متمایز از مردم و یک اقلیت زورگو نیست که بر اکثریت مظلوم تحت سلطه حکومت کنند؛ و حکومت بر مردم به معنی سلطه بر مقدرات جامعه نیست، بلکه حاکمان از جنس مردم‌اند، که برای خدمتگذاری به مردم وظایفی چون: تدبیر امور کشور و دفاع از آن را با اراده ملت به عهده دارند، و ملت نیز، از زن و مرد، کوچک و بزرگ، خود را عهده‌دار پشتیبانی از آنان می‌داند و در مشکلات دولت و ارتش، سهیم و در رفع آنها هم قدم و همفکرند (امام خمینی، همان، ج ۱، ص ۲۵۲).

چنین نگرشی به دولت و قدرت سیاسی، که به نوعی همراه با افسون زدائی از قدرت و عقلانی سازی آن و پاسخگو قرار دادن حکام در برابر مردم است، باعث می‌شود، که روح ایمان، تعهد و تعاون در کالبد جامعه و در میان اکثریت قاطع ملت به وجود آمده و مردم، دولت و حاکمان سیاسی را از خود بدانند و در زمان نیاز برای یاری رهبران و یا حاکمان سیاسی، در قالب یک بسیج همگانی به قیام همگانی مبادرت نمایند به فرموده امام: داوطلبان جهاد و شهادت در راه خداوند متعال روز به روز افزایش یافته و همگی منتظر فرمان الهی اند (همان، ص ۲۵۱).

### ۳-۶ امکان مشارکت سیاسی زنان

در فلسفه سیاسی امام خمینی، ملهم از برداشت اصیل از اسلام ناب محمدی، زن نقش بزرگی در اجتماع دارد. زن مظهر تحقق آمال بشر و پرورش دهنده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن مرد به معراج می‌رود. دامن زن محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است:

«زن انسان است؛ آن هم یک انسان بزرگ. زن مربی جامعه است، از دامن زن انسانها پیدا می‌شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. مربی انسانها زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند؛ و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند. مبدأ همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود. زن مبدأ همه سعادت‌ها باید باشد» (همان، ج ۷، ص ۳۳۹).

در نظام اسلامی، زن به عنوان یک انسان می‌تواند همراه با مردان در بنای جامعه اسلامی مشارکت فعال داشته باشد ولی نه به صورت یک شیء. نه او حق دارد خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که به او چنین بیندیشند (همان، ص ۴۱۴). زن مساوی مرد است. زن مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیت‌های خود را انتخاب کند (همان، ج ۳، ص ۳۷۰).

زنان از نظر اسلام نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند و اسلام زن را تا حدی ارتقا می‌دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابد و متناسب با چنین رشدی، می‌تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیتهایی را به عهده بگیرد (همان، ج ۴، ص ۴۳۴).

در منطق امام، اسلام با ترقی زنان مخالف نیست، در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت و حق رأی دادن. زن و مرد هر دو آزادند دانشگاه بروند؛ و برای مشاغل مهم و مسئولیتهای اجتماعی انتخاب شوند. آنچه که اسلام با آن مخالف است، این است که زن ملعبه‌ای در دست مردها باشد. بدون تردید، چنین برداشتی از زن، باعث خواهد شد، که زمینه‌ای برای نیمی از افراد جامعه، فراهم گردد تا نقش مؤثری در حیات سیاسی و اجتماعی ملتها، ایفا نمایند و همین طرز نگرش به زنان، باعث خواهد شد، تا زنان هم‌دوش مردان به پاخاسته و آزادی و استقلال خود را مطالبه نمایند.

ثمره چنین نگرشی به زن این شد، که زنان آزاده ایرانی بتوانند جلوه‌های بدیعی را در مبارزات سیاسی و اجتماعی از خود به تصویر کشند و امام در اشاره به همین جلوه‌های خلاقانه، اظهار می‌دارند:

«شما در چه تاریخی چنین دیده اید؟ امروز زنهای شیردل، طفل خود را در آغوش کشیده و به میدان مسلسل و تانک دژخیمان رژیم می‌روند. در کدام تاریخ چنین مردانگی و فداکاری از زنان ثبت شده است؟» (همان، ج ۳، ص ۵۱۲) «در تظاهرات خیابانی زنان ما، بچه‌های خردسال خود را به سینه فشرده، بدون ترس از تانک و توپ و مسلسل، به میدان مبارزه آمده‌اند.» (همان، ج ۴، ص ۴۴۰).

براستی چنین جلوه‌های بدیعی از مبارزات انقلابی زنان، جز در موارد نادری، از صدر اسلام، که آنها خود الگوی زن ایرانی قرار گرفته اند، بنابر بضاعت اندک ما بی سابقه و یا دستکم، کم سابقه است. امروزه زن ایرانی در عین حفظ نجابت، عفت و پاکدامنی خویش، سرنوشت سیاسی و اجتماعی کشورشان را به دست خود رقم می‌زند. امری که در دنیای امروز، چه در کشورهای اسلامی و چه در کشورهای غیر اسلامی نظیری به خود ندیده است و همین تابلوی خلاقانه زنان آزاده ایرانی است، که زن ایرانی را به الگویی برای زنان آزاده کشورهای اسلامی تبدیل نموده است.

چه دنیا بپذیرد و چه مزورانه انکار کند، زن امروز ایرانی الگویی بسیاری از کشورهای اسلامی است، و بلکه امروزه پوشش زن ایرانی، به‌عنوان نمادی برای تمامی زنان مسلمان در سراسر جهان تبدیل شده و به مثابه سمبل افتخار زن مسلمان در آمده است. از دید آنها، این مکتب پر افتخار تشیع است که زن را از قید اسارت مرد بیرون آورده و هم‌ردیف مردان در جایگاه رفیع انسانی خود قرار می‌دهد و براستی هم، چنین است.

در فلسفه سیاسی امام خمینی، الگوی زن مسلمان، در تهذیب اخلاق، در وادار کردن دوستانشان به تهذیب اخلاق، در علم و زهد و تقوا، در عفت و پاکی و جهاد و مبارزه در راه خدا، حضرت فاطمه زهرا (س) و دختر او حضرت زینب (س) است، حضرت فاطمه زهرا (س) که نمونه یک انسان کامل است، که تمام هویت انسانی در او جلوه‌گر است. زن ایرانی، از آنرو امروز نمونه و الگو گشته است، که الگوهایی چون: حضرت فاطمه زهرا(س) و حضرت زینب کبری (س) و حضرت فاطمه معصومه(س) دارد. این نکته روشتر از آفتاب تابان است، که موفقیت زن امروز ایرانی در آوردگاه کار و زار سیاسی و اجتماعی، جلوه‌ای از درخشش زنان پیشناز نام برده است.

### ۳-۷ نقش محوری زنان در فلسفه سیاسی امام خمینی (ره)

در فلسفه سیاسی امام خمینی، زن مبدأ همه خیرات است. زن، موجودی است که می‌تواند یک قدرت شیطانی را بشکند، زنان در میدان مجاهده و مبارزات سیاسی و اجتماعی، همدوش مردان بلکه مقدم بر آنانند. خانمهای محجبه، همانهایی که مظهر نجابت و عفاف اند، در میدان مبارزه و جهاد و در ایثار مال در راه خدا پیشقدم اند. در جمهوری اسلامی در همه مسائل عمومی، زنان پیشقدم بوده‌اند؛ همچنین در مسئله تنباکو و مسئله مشروطیت نیز، پیشقدم بوده‌اند (همان، ج ۲۰، ص ۷).

بنابراین، در فلسفه سیاسی امام خمینی، زن می‌تواند در همه عرصه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه نقش ایفا کند، هم در میدان تحصیل و هم در میدان دفاع از اسلام، و چون دفاع از حریم کشور، زندگی، مال و اسلام، بر همه واجب است، مقدمات دفاع هم واجب خواهد بود. از اینرو، یاد گرفتن فنون نظامی، برای آنهایی که ممکن است واجب خواهد بود؛ مشروط به اینکه در محیطی که تعلیم نظامی می‌بینند، محیط آزاد، سالم و محیط اسلامی بوده و شرایط عفاف فراهم و همه جهات اسلامی محفوظ باشد (همان). اما، نباید غفلت کرد، که نقش محوری زن، نقش تربیتی اوست. مهمترین نقش زن این است که بتواند، فرزندان برومند و سالمی را به اجتماع تحویل دهد و از همین طریق زمام امور کشور را به دست گرفته و سرنوشت آن را رقم زند.

### ۳-۸ توسعه بخشی آرمانهای اسلامی در سراسر جهان

نکته دیگری که در بحث ظرفیت فلسفه سیاسی امام خمینی باید مورد توجه قرار گیرد، ظرفیت تبدیل شدن آن به یک ایده همگانی و جهانی است، امری که می‌تواند عامل بسیج سراسری در سراسر پهنه گیتی، و رستاخیز قیام مردمی در کل جهان در مسیر اهداف متعالی گردد. فلسفه سیاسی امام خمینی، متکی به باورهای عمیق فطری و انسانی است، امری که می‌تواند به مثابه یک زبان مشترک، تمامی انسانها و کل عائله بشری را در یک کلان استراتژی مشترک در مسیر اعتلای انسانی، در صف واحد قرار دهد. باورهایی چون، عشق به کمال، تنفر از نقص (همان، ۱۳۹۱، صص ۱۸۴ و ۱۸۵)، عشق به راحت، و عشق به حریت (همان، ص ۱۸۷)، حمایت از مظلوم، مبارزه با ظلم و نفی ظالم، استقلال کشورها، آزادی حقیقی و آزادی انسانها، صلح حقیقی، سعادت و کمال حقیقی و عدالت فراگیر.

بدون تردید، این باورهای مشترک ریشه در اعماق فطرت انسانی دارد، که می‌تواند وجدان بیدار هر انسان آزاده‌ای را به سمت خود متمایل سازد و از سوی دیگر، امام در یک تفسیر حکیمانه، خاستگاه و ریشه حقیقی همه این باورها را در اعتقادات اصیل اسلامی و بخصوص اصل توحید معرفی نموده و مکتب تشیع را به مثابه یک منظره بدیعی از جلوه‌های آگاهانه‌ای از تمامی این باورهای ناب انسانی به تصویر می‌کشد. از اینرو است، که ما مدعی هستیم، که فلسفه سیاسی امام خمینی ظرفیت تبدیل شدن به یک شاهراه مواصلاتی را، برای ایصال الی المطلوب طالبان حقیقت و عدالت، به سرچشمه توحید ناب اسلامی و مکتب پر افتخار تشیع داراست. امری که ما از آن به ظرفیت توسعه بخشی آرمانهای اسلامی در سراسر جهان تعبیر نموده‌ایم.

به اعتقاد امام: یکی از مبانی اختصاصی شیعه، مبارزه با ظلم و دولت‌های ظالم و دیکتاتور است و شیعه از اول پیدایش و بروز خود، علیه آن زور و ستم مبارزه کرده، کشته داده و فداکاری نموده است. و مذهب شیعه با خون

خود آزادی بشر را تضمین کرده است. در سایر مذاهب، مذهبی مثل شیعه نیست که قیام علیه باطل بنماید، این از خصوصیت بارز شیعه است (همان، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۷۰).

### نتیجه گیری

فلسفه سیاسی امام خمینی، هم در بعد نظری و تبیینی از ظرفیت خوبی برخوردار است و هم در بعد عملی. در بعد نظری قدرت تبیینی آن، در عرصه‌های مختلفی، چون تبیین حق قانونگذاری، ظرفیت تبیین حقیقت هستی و پیوند آن با مشروعیت قدرت و حکومت، ظرفیت ارائه ملاک برای مشروعیت سیاسی، ظرفیت تبیین حقیقت سعادت و کمال برای انسان و راه‌های تحصیل آن، ظرفیت شناخت درست رفتار انسان در میدان عمل سیاسی و اجتماعی و در نهایت ظرفیت تبیین واقع نمائی دانش و شناخت انسان از هستی و امور سیاسی، بیان شد.

در بعد عملی نیز، مسائلی چون هویت سازی برای جنبشهای اسلامی، جهان اسلام و همچنین مستضعفین و پابرهنگان جهان، ترسیم راه و رسم مبارزه برای مسلمانان آزاده و مستضعفان جهان، الگوسازی برای مبارزات جهانی و ملی و طرح راهکار همگرایی مستضعفین جهان در قالب یک هویت یکپارچه در برابر نظام سلطه، مواردی است، که در این نوشته به آنها اشاره شد.

ظرفیت عملی فلسفه سیاسی امام خمینی بدون تردید، برخاسته از ظرفیت اسلام است، که برای هر دردی علاجی و برای هر مشکلی چاره‌ای در خود دارد و در این میان، امام حکیمی است، که مانند یک پزشک حاذق، هم دردهای جوامع اسلامی را تشخیص داد و هم ریشه درد را و هم راه در مان آنها را بخوبی یافت و به همین جهت به فلسفه سیاسی خود ظرفیتی بخشید، که در صورت توجه به عمق آن می‌تواند کلیه ملتهای اسلامی را در تحت یک پرچم گرد آورده و ملل پراکنده را تبدیل به یک ملت واحد در برابر دشمنان بیرونی نماید.

در منطق امام، اسلام با ترقی زنان مخالف نیست، با فحشا مخالف است، در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن اسلام مراعات بانوان را در تمام جهات بیش از هرکس نموده است. در فلسفه سیاسی امام خمینی، الگوی زن مسلمان، در تهذیب اخلاق، در وادار کردن دوستانشان به تهذیب اخلاق، در علم و زهد و تقوا، در عفت و پاک‌ی و جهاد و مبارزه در راه خدا، حضرت فاطمه زهرا (س) و دختر او حضرت زینب (س) است، حضرت فاطمه زهرا (س) که نمونه یک انسان کامل است، که تمام هویت انسانی در او جلوه‌گر است.

در فلسفه سیاسی امام خمینی، زن مبدأ همه خیرات و زن، موجودی است که می‌تواند یک قدرت شیطانی را بشکند، زنان در میدان مجاهده و مبارزات سیاسی و اجتماعی، همدوش مردان بلکه مقدم بر آنانند. خانمهای محجبه، همانهایی که مظهر نجابت و عفاف اند، در میدان مبارزه و جهاد و در ایثار مال در راه خدا پیشقدم اند.

بنابراین، در فلسفه سیاسی امام خمینی، زن می‌تواند در همه عرصه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه نقش ایفا کند، هم در میدان تحصیل و هم در میدان دفاع از اسلام. اما، نقش محوری زن، نقش تربیتی اوست. مهمترین نقش زن این است که بتواند، فرزندان برومند و سالمی را به اجتماع تحویل دهد و از همین طریق زمام امور کشور را به دست گرفته و سرنوشت آن را رقم زند.

## منابع و مأخذ

### الف) فارسی

- اردبیلی، عبد الغنی (۱۳۹۰)، *تقریرات فلسفه امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، (چاپ سوم).  
- ارسطا، محمد جواد (۱۳۸۹)، *نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران*، قم: بوستان کتاب.  
- اسلامی، سید حسن (۱۳۸۱)، *امام، اخلاق، سیاست*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.  
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۱)، *شرح چهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، (چاپ بیست و پنجم).  
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۹۱)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، (چاپ چهاردهم).  
- امام خمینی، سید روح الله، *شرح دعاء السحر (ترجمه فارسی)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۴، چاپ پنجم.  
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۹)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، (چاپ پنجم).  
- امام خمینی (بی تا)، *سید روح الله، کشف الاسرار*، بی جا.  
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۷)، *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، (چاپ هفتم).  
- جمشیدی، محمد حسین، *اندیشه سیاسی امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸، چاپ دوم.  
- جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، *تسنیم*، ج ۱۹، به تحقیق حسن واعظی محمدی، قم: مرکز نشر اسراء (چاپ هشتم).  
- جواد آملی (۱۳۸۹)، *عبدالله، ولایت فقیه*، به تحقیق محمد محرابی، مرکز نشر اسراء، (چاپ نهم).  
- صدیقی، کلیم (۱۳۷۳)، *بنیادهای عقیدتی و سیاسی وحدت اسلامی*، تهران: هفتمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی.  
- صدیقی، کلیم (۱۳۷۵)، *نهضت های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران*، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، تهران: مؤسسه اطلاعات.  
- صلیبا، جمیل (۱۳۶۶)، *فرهنگ فلسفی*، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، تهران: حکمت.  
- کدیور، جمیل (۱۳۷۲)، *انتفاضه؛ حماسه مقاومت فلسطین*، تهران: انتشارات اطلاعات.  
- مغنیه، محمد جواد (۱۳۷۸)، *ترجمه تفسیر کاشف*، ترجمه موسی دانش، قم: بوستان کتاب.  
- مهاجری، مسیح (۱۳۶۰)، *انقلاب اسلامی، راه آینده ملتها*، تهران: انتشارات اوج.  
- نجفی، موسی (۱۳۸۷)، *انقلاب فرامدرن و تمدن اسلامی (موج چهارم بیداری اسلامی)*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، (چاپ دوم).  
- یوسفی راد (۱۳۸۶)، *مرتضی و دیگران، امکان فلسفه سیاسی اسلام*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

### ب) عربی

- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم: چاپ پنجم.  
- طبری آملی صغیر (۱۴۱۳)، *محمد بن جریر، دلائل الإمامة*، قم: بعثت.  
- فضل الله سید محمد حسین (۱۴۱۹)، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر، (چاپ دوم).  
- مغنیه، محمد جواد (بی تا)، *التفسیر المبین*، قم: بنیاد بعثت، چاپ سوم.

—مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴)، تفسیر الکاشف، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

### ج) نرم افزارها

- جامع الاحادیث ۳/۵، مرکز تحقیقات کامپیوتری نور، بهمن ۱۳۹۰.
- جامع التفاسیر نور ۲/۵، مرکز تحقیقات کامپیوتری نور، ۱۳۹۲.
- ذکر.
- صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- کتابخانه حکمت اسلامی، مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.
- کتابخانه دیجیتال اسراء، مجموعه آثار علامه آیت الله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء.
- مجموعه آثار امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی و مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.
- مشکات (۱۳۹۲)، مجموعه آثار حضرت آیت الله علامه محمد تقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.